



واکاوی اثربخشی «بازرسان» در نظارت بر عملکرد سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان استان‌ها

عباس صنیع‌زاده
دکترای شهرسازی، عضو سازمان
نظام‌مهندسی ساختمان استان اصفهان





نقش نهاد نظارت داخلی (بازرسان) برای حصول اطمینان از صحت جریان امور در سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان استان‌ها و جلوگیری از هرگونه تخلف و انحراف از ضوابط قانونی بسیار مهم است.

به لحاظ مالی خودگردان بوده و منابع مالی آن‌ها از طریق دریافت حق عضویت، هزینه صدور مجوزهای قانونی، درصدی از کارمزد خدمات و اخذ جریمه‌ها تأمین می‌شود و درآمدهای حاصله مستقیماً در توسعه اهداف سازمان هزینه می‌گردد.

۳-۲- اهداف، ساختار مدیریتی و اهمیت نظارت بر عملکرد سازمان‌های غیرانتفاعی

سازمان‌های غیرانتفاعی معمولاً برای دستیابی به یکی از اهداف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، مذهبی و صنفی تشکیل می‌گردند. ساختار مدیریتی در این سازمان‌ها معمولاً از الگوی سلسله‌مراتبی ترکیبی شامل مجمع عمومی، هیئت‌مدیره و مدیریت اجرایی پیروی می‌نماید. انتخاب هیئت‌مدیره از پایین به بالا توسط مجمع عمومی و معمولاً برای دوره‌های کوتاه مدت است. به دلیل جابجایی‌های مدیریتی کوتاه مدت در این سازمان‌ها، نقش نهاد نظارت در آن‌ها و به خصوص نظارت داخلی که توسط بازرسان یا بازرسان اعمال می‌گردد در راستا جلوگیری از هرگونه انحراف مدیریتی و سوءاستفاده‌های احتمالی بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

۳-۳- تعریف نظارت و انواع نظارت بر عملکرد سازمان‌های غیرانتفاعی

برای نظارت هم تعاریف نسبتاً زیادی وجود دارد. در یکی از این تعاریف چنین آمده است: «نظارت به معنا کنترل پیوسته و مستمر بر روی فرایندهای جاری است و هدف آن جلوگیری از انحرافات و مشکلات پیش از وقوع است». نظارت یکی از ارکان اساسی مدیریت است و در صورتی که به درستی اعمال گردد موجب افزایش پاسخگویی و شفافیت خواهد بود. البته باید توجه داشت که «استقلال نهادهای نظارتی از بدنه اجرایی یک اصل بنیادین است».

به دلیل اهمیت نظارت در عملکرد سازمان‌های غیرانتفاعی، این نظارت‌ها غیر متمرکز بوده و از چند لایه شامل نظارت داخلی (توسط بازرسان یا بازرسان)، نظارت خارجی (توسط نهادهای دولتی جهت حفظ حقوق عامه) و نظارت حقوقی (بررسی شکایات در مراجع قضایی) تشکیل

– برای حصول اطمینان از صحت جریان امور در حوزه‌های اداری، مالی و فنی سازمان و جلوگیری از هرگونه تخلف یا انحراف از اصول و ضوابط قانونی بسیار مهم است. در حال حاضر مکانیزم انتخاب بازرسان در قانون به گونه‌ای است که به وضوح مانع از استقلال عملکردی بازرسان در انجام وظایف محوله و قرارگیری آن‌ها در موقعیت تعارض منافع بین مصالح عمومی اعضا و منویات هیئت‌مدیره است. به همین دلیل می‌توان گفت طی سه دهه گذشته که از تصویب قانون و شروع فعالیت این سازمان‌ها گذشته، نظارت جدی و اصولی بر این سازمان‌ها اعمال نشده و لذا عملکرد هیئت‌مدیره‌ها از پاسخگویی و شفافیت لازم برخوردار نبوده است.

به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع، این مقاله در سه بخش اصلی شامل تبیین مفاهیم پایه، تحلیل وضعیت موجود و ارائه پیشنهادات تنظیم یافته است.

۳- تبیین مفاهیم پایه

در این بخش به تبیین و توضیح مفاهیم کلیدی این مقاله از قبیل سازمان، سازمان‌های غیرانتفاعی، اهداف، منابع مالی و ساختار مدیریتی در سازمان‌های غیرانتفاعی، نظارت، لایه‌های مختلف نظارتی، نقش و اهمیت نظارت در سازمان‌های غیرانتفاعی و... پرداخته می‌شود.

۳-۱- سازمان و سازمان‌های غیرانتفاعی

برای سازمان تعاریف متنوعی ارائه گردیده که دارای نقاط مشترک زیادی هستند. در یکی از تعاریف که از جامعیت بیشتری برخوردار است، سازمان این‌چنین تعریف شده: «سازمان، به مجموعه‌ای از افراد، منابع و فرایندها گفته می‌شود که برای دستیابی به اهداف مشخص در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند». در تعریفی دیگر آمده است: «سازمان، یک ماهیت اجتماعی است که ساختار، اهداف و مرزهای عملیاتی مشخصی دارد». همچنین سازمان‌های غیرانتفاعی، «سازمان‌هایی هستند که هدف آن‌ها نه کسب سود و درآمد بلکه ارتقای استانداردها، آموزش مستمر اعضا و تضمین سلامت فنی در حوزه فعالیت حرفه‌ای است». سازمان‌های غیرانتفاعی

۱- چکیده

نظارت جدی و اثرگذار بر عملکرد سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، مستلزم وجود یک سیستم نظارتی کارآمد و مستقل است. از بین سه لایه نظارتی داخلی، خارجی و حقوقی، ارزیابی نقش نظارت داخلی بر عملکرد سازمان‌ها که از طریق بازرسان صورت می‌پذیرد، مورد توجه ویژه این مقاله قرار دارد. نظارت داخلی مؤثر ضمن آنکه مانعی جدی برای جلوگیری از هرگونه تخلف و سوءاستفاده‌های احتمالی است، شفافیت و پاسخگویی را افزایش داده و موجب ارتقای کیفیت عملکردی سازمان‌ها در راستا تحقق اهداف قانون می‌شود.

مشاهدات و یافته‌ها موبد این است که به دلیل چرخه نامناسب انتخاب بازرسان و وابستگی ساختاری آن‌ها به هیئت‌مدیره که به نوعی موقعیت تعارض منافع را برای بازرسان فراهم نموده، منجر به تضعیف کارکرد نظارتی بازرسان و در نتیجه کاهش شفافیت و پاسخگویی در سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان شده است.

مقاله کوتاه حاضر با استفاده از روش تحلیل ساختاری، به توضیح و تشریح وضعیت ناکارآمد نظارت داخلی در سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان پرداخته و در پایان نیز راهکارهای اصلاحی را برای برون‌رفت از این وضعیت چالش‌برانگیز و حصول به یک نظام نظارتی جدی و مستقل پیشنهاد نموده است.

۲- مقدمه

به استناد مفاد قانون نظام‌مهندسی ساختمان و کنترل ساختمان، سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان استان‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی هستند که با هدف اعتلا و ارتقای کیفیت ساخت و سازها به خصوص در حوزه‌های استحکام و ایمنی و همچنین سازماندهی و تنسيق امور مهندسان شاغل در این عرصه تشکیل یافته‌اند. با توجه به ساختار مدیریتی این سازمان‌ها که مبتنی برانتخاب اعضا هیئت‌مدیره برای دوره‌های کوتاه مدت سه ساله شکل گرفته، نقش نهاد نظارت داخلی در این سازمان‌ها – یعنی بازرسان



طی سه دهه گذشته که از تصویب قانون و شکل گیری سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها می گذرد، نظارت جدی و اثربخشی بر عملکرد این سازمان ها اعمال نشده و لذا این عملکردها از شفافیت و پاسخگویی لازم برخوردار نبوده است.



۲-۴- ساختار نظارت در قانون و آئین نامه اجرایی

به دلیل اهمیت بسیار زیاد نقش «نظارت» در چگونگی عملکرد سازمان های نظام مهندسی ساختمان به عنوان نهادهای غیرانتفاعی، در قانون و آئین نامه اجرایی آن، سه لایه مختلف نظارتی شامل نظارت داخلی، نظارت خارجی و نظارت حقوقی برای سازمان های استان ها در نظر گرفته شده است.

در ماده ۱۸ قانون و ماده ۸۲ آئین نامه، بازرس یا بازرسان سازمان به عنوان مهم ترین عوامل اعمال نظارت داخلی در سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها معرفی شده و حدود وظایف و اختیارات آن ها تشریح شده است. در بخشی از این وظایف آمده: «بازرس یا بازرسان موظفند در چارچوب قانون و آئین نامه اجرایی آن و آئین نامه مالی سازمان به حساب ها و ترازنامه سازمان استان رسیدگی و گزارش های لازم را جهت ارائه به مجمع عمومی تهیه نمایند و نیز تمامی وظایف و اختیاراتی را که به موجب قوانین و مقررات عمومی بر عهده بازرس محول است انجام دهند».

در ماده ۲۶ قانون، وزارت راه و شهرسازی به عنوان عامل نظارت خارجی بر عملکرد سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها معرفی گردیده است. متن این ماده به شرح زیر می باشد. «وزارت راه و شهرسازی مجاز است ضمن بررسی عملکرد سازمان های استان و گزارش هیئت عمومی سازمان، در خصوص چگونگی ادامه کار آن سازمان ها توصیه های لازم را بنماید و در صورتی که به دلیل انحراف از اهداف سازمان، انحلال هر یک از آن ها را لازم بداند، موضوع را در هیئتی مرکب از وزیر راه و شهرسازی، وزیر دادگستری و رئیس سازمان مطرح نماید. تصمیم هیئت با دور رأی موافق لازم الاجراء خواهد بود».

در خصوص نظارت حقوقی هم لازم به ذکر است که اگر شکایتی از طرف فرد یا جمعی از اعضا علیه عملکرد سازمان (مشخصاً هیئت مدیره) در مراجع بازرسی (سازمان بازرسی کل کشور) و یا مراجع قضائی (دادگاه ها و دیوان عدالت اداری) مطرح گردد، این مراجع بازرسی و قضایی می توانند به موضوع ورود نموده و نظارت های حقوقی را در

می گردد. همچنین نظارت ها در بخش های مختلف عملکردی سازمان های غیرانتفاعی شامل حوزه های اداری، مالی، فنی و حرفه ای اعمال می شود.

۴- تحلیل وضع موجود نظارت داخلی در سازمان های نظام مهندسی ساختمان

در این بخش که در واقع بدنه اصلی مقاله را تشکیل می دهد توضیحاتی در خصوص جایگاه سازمان های نظام مهندسی ساختمان در قانون، ساختار نظارت داخلی در این سازمان ها، چالش های موجود در نظام نظارت داخلی سازمان ها و پیامدهای ناشی از آن ارائه می گردد.

۴-۱- جایگاه سازمان های نظام مهندسی ساختمان در قانون

در قانون نظام مهندسی ساختمان و کنترل ساختمان (مصوب سال ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی) و همچنین آئین نامه اجرایی آن (مصوب سال ۱۳۷۵ هیئت وزیران) به درستی جایگاه سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها تبیین و تشریح گردیده است. در ماده ۳ این قانون تصریح شده که: «سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها غیرانتفاعی بوده و تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر مؤسسات غیرانتفاعی می باشند». همچنین در ماده ۴۲ آئین نامه اجرایی قانون آمده است: «سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها دارای شخصیت حقوقی مستقل و غیر انتفاعی بوده و تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر مؤسسات غیرانتفاعی می باشند».

در ماده ۱۵ قانون و ماده ۷۳ آئین نامه اجرایی اهم وظایف و مأموریت های سازمان های استان ها با جزئیات کامل مشخص شده است. در یک جمع بندی کلی می توان مهم ترین مأموریت این سازمان ها را: «ارتقا کیفیت ساخت و ساز در کشور از طریق رشد و اعتلا حرفه های مهندسی ساختمان از یک سو و ساماندهی و تنسيق امور مربوط به مهندسان شاغل در بخش های ساختمان و شهرسازی از سوی دیگر دانست».

رابطه با شکایت مطرح شده اعمال نمایند.

لازم به ذکر است که این مقاله صرفاً متمرکز بر بررسی نظام نظارت داخلی سازمان ها از طریق بازرسان است و بررسی نظارت های خارجی و حقوقی به مقاله های آتی محول می گردد.

۴-۳- چگونگی انتخاب بازرسان سازمان و اهم وظایف و اختیارات آن ها

در ماده ۸۱ آئین نامه اجرایی قانون نحوه و چگونگی انتخاب بازرسان سازمان مشخص گردیده است. در بخش پایانی این ماده تصریح شده:

«به منظور انتخاب بازرسان، هیئت مدیره اسامی دو برابر تعداد بازرسان اصلی و علی البدل واجد شرایط را از بین اعضا سازمان نظام مهندسی ساختمان استان انتخاب و به اولین جلسه مجمع عمومی که بعد از انتخاب هیئت مدیره تشکیل می شود پیشنهاد می نماید. حائزین اکثریت آرا به ترتیب نفرت اول به عنوان بازرس یا بازرسان اصلی و نفر بعدی به عنوان بازرس علی البدل برای دو سال انتخاب می شوند».

در ادامه یعنی در ماده ۸۲، وظایف و اختیارات بازرس یا بازرسان به شرح زیر تعیین شده است:

۱. اظهار نظر در باره صحت و درستی صورت دارایی ها و صورت حساب دوره عملکرد و ترازنامه ای که هیئت مدیره برای ارائه به مجمع عمومی تهیه نموده است و تهیه گزارش و تسلیم آن به هیئت مدیره حداقل ۱۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی.

۲. اظهار نظر در باره صحت مطالب و گزارش ها و اطلاعاتی که هیئت مدیره برای ارائه به مجمع عمومی تنظیم نموده است.

۳. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند اقدامات و عملکرد هیئت مدیره در حدود قانون و آئین نامه اجرایی آن بوده و حقوق اعضا در حدودی که قانون و آئین نامه های آن تعیین کرده به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که هیئت مدیره تخلف یا تخطی از قانون و آئین نامه داشته و یا اطلاعاتی بر خلاف حقیقت در اختیار مجمع عمومی قرار دهند بازرس یا بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه نمایند.



ساختار موجود نظارت در سازمان های نظام مهندسی ساختمان استان ها به جای اینکه ابزاری برای اصلاح امور باشد، به ابزاری برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به عملکرد هیئت مدیره ها تبدیل شده است.

۳. استفاده بازرسان از توان تخصصی شرکت های حسابرسی برای بررسی گزارش های مالی چندان مؤثر نیست زیرا حقوق و دستمزد آن ها باید توسط هیئت مدیره پرداخت شود و لذا آن ها نمی توانند به درستی به وظایف حرفه ای خود عمل نمایند.

۴. گزارش بازرسان به مجمع عمومی از گزارش مالی هیئت مدیره عموماً بسیار کوتاه و مختصر بوده و برای رفع تکلیف صرفاً به یکی دو اشکال کوچک اشاره می گردد و در پایان گزارش هم به جمله تکراری: «هیچگونه مغایرت قانونی در گزارش دیده نشد» اکتفا می گردد!

۵. گزارش هیئت مدیره و بازرسان به مجمع عمومی فاقد هرگونه شفافیت و پاسخگویی به سؤالات و ابهامات اعضا سازمان در مجامع عمومی است.

۶. هرگونه اعتراض به گزارش مالی هیئت مدیره از طرف عضو یا اعضای از سازمان چه در جلسه مجمع عمومی و یا خارج از آن به جای پاسخگویی منطقی، بلافاصله با اتهام «ایجاد تشنج» یا «اختلال در برگزاری مجمع» یا «عناد با هیئت مدیره» مواجه می شود زیرا بازرسان به جای حمایت از اعضا سازمان به حمایت از عملکرد هیئت مدیره می پردازند.

۷. معمولاً در گزارش های مالی هیئت مدیره به مجمع عمومی هیچ اشاره ای به حقوق، حق الزحمه و یا سایر درآمدهای اعضا هیئت مدیره و به خصوص هیئت رئیسه سازمان نمی شود و به همین دلیل شایعات مربوط به دریافت حقوق ها و درآمدهای کلان توسط اعضا هیئت مدیره قابل راستی آزمایی نیستند. این موضوع به خصوص در یکی دو دوره اخیر از فعالیت هیئت مدیره ها که با پرداخت حقوق به آن ها همراه شده بسیار محسوس می باشد.

۸. حتی اگر بازرسان مصمم به انجام وظایف قانونی خود باشند، امکان دسترسی آزاد به مدارک و اسناد مالی سازمان را ندارند و صرفاً با کسب اجازه از مدیریت سازمان می توانند از اسناد محدود و کنترل شده ای مطلع شوند.

البته به موارد متعدد دیگری هم می توان اشاره نمود که برای جلوگیری از اطاله کلام به همین مقدار بسنده می گردد.

۲. قرارگیری در موقعیت تعارض منافع. موقعی که فرایند انتخاب ناظر توسط موضوع نظارت مدیریت می شود، در این صورت بازرسان در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته و در نتیجه بین مراقبت صیانت از مصالح اعضا و یا حفظ منافع هیئت مدیره، دودل و مردد می شوند.

۳. ناکارآمدی مکانیزم نظارت. وقتی ساختار قانون اجازه نظارت مستقل را سلب می کند، عوامل نظارت یا بازرسان در انجام وظایف خود ناکارآمد و تقریباً بلااثر می شوند.

۴. خروج از مصلحت عمومی. وابستگی ساختاری ناظر به نهاد ناظر شده، بازرسان را به جای استقلال، به هیئت مدیره ها وابسته می کند و لذا بازرسان به جای حفظ حقوق اعضا، به نهادی برای حفظ قدرت هیئت مدیره، که امکان حضور در این جایگاه را برای آن ها فراهم نموده، تبدیل می شوند.

تمامی موارد فوق موید این واقعیت است که نحوه انتخاب بازرسان، زمینه استقلال عملکردی لازم را برای انجام وظایف و اختیاراتی که قانون بر عهده آن ها محول نموده، فراهم نمی نماید و حاصل آن نظارت های صوری و بدون اثرگذاری مثبت است که در ادامه به آن ها اشاره می گردد.

۴-۵- پیامدهای ناشی از حضور بازرسان وابسته و غیرمستقل

به دلیل چرخه معیوب مسئله دار انتخاب بازرسان که به اهم اشکالات آن اشاره گردید، شکاف های عمیقی بین آنچه که مدنظر قانونگذار بوده با واقعیت های میدانی ایجاد شده است. موارد زیر را می توان حاصل چنین وضعیتی دانست:

۱. گزارش های مالی که توسط هیئت مدیره ها برای ارائه به مجمع عمومی تهیه می شوند، معمولاً در حد کلیات بوده و فاقد جزئیات لازم هستند. به واقع مطالعه این گزارش ها چیز زیادی دستگیر اعضا سازمان نمی شود چون دارای ابهامات زیادی هستند.

۲. امکان بررسی دقیق گزارش های مالی هیئت مدیره ها توسط بازرسان فراهم نیست زیرا از یک طرف گزارش ها خیلی کلی و پراهم هستند و از طرف دیگر بازرسان فاقد توان تخصصی لازم برای بررسی این گونه گزارش ها می باشند.

۴. بازرس یا بازرسان با اطلاع هیئت مدیره حق دارند، در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان را از هیئت مدیره مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. این رسیدگی نباید به گونه ای باشد که موجب وقفه در عملیات جاری شود.

۵. بازرس یا بازرسان می توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند، مشروط بر اینکه آن ها را از قبل به طور رسمی و کتبی به سازمان نظام مهندسی ساختمان استان معرفی کرده باشند. این کارشناسان در موارد و حدودی که بازرس یا بازرسان تعیین می کنند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

همانگونه که ملاحظه می شود وظایف بسیار مهمی برعهده بازرسان گذاشته شده است که تحقق آن ها مستلزم برخورداری بازرسان از توانایی های نسبتاً تخصصی و از آن مهم تر عدم وابستگی و استقلال کامل عملکردی آن ها می باشد. اما نحوه انتخاب بازرسان به گونه ای است که توانمندی ها و استقلال عملکردی آن ها را به چالش می کشد. در بخش بعدی به صورت جدی تری به این موضوع مهم پرداخته می شود.

۴-۴- چالش های موجود در ساختار نظارت داخلی بر عملکرد سازمان های نظام مهندسی ساختمان

همانگونه که اشاره گردید در قانون و آئین نامه اجرایی آن وظایف و مأموریت های مهمی به بازرسان جهت نظارت جدی و مؤثر بر عملکرد سازمان های استان ها محول گردیده است. اما نحوه انتخاب بازرسان (که به تعداد دو برابر مورد نیاز از طرف هیئت مدیره به مجمع عمومی معرفی می شوند) به گونه ای است که امکان تحقق وظایف فوق را به سختی برای بازرسان فراهم می کند. این روش انتخاب دارای اشکالات اساسی و ماهوی به شرح زیر است:

۱. پارادوکس نظارتی یا چرخه خود-نظارتی. وقتی نهادی که موضوع نظارت است، خودش منبع معرفی ناظر باشد، در واقع قدرت نظارتی را در اختیار خودش قرار می دهد.



عملکرد ضعیف و ناکارآمد بازرسان موجب دلسردی و بی‌تفاوتی اعضا نسبت به امور سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان استان‌ها شده که بازتاب آن در کاهش چشمگیر مشارکت اعضا در امور سازمان‌ها متجلی می‌باشد.



می‌شود با رعایت حریم‌های قانونی، ضمن آنکه از جزئیات لازم برخوردار می‌باشند، به سهولت جهت بررسی و مطالعه در دسترس همه اعضا سازمان قرار داشته باشد.

۴. توسعه نظارت‌های خارجی و حقوقی. پیشنهاد می‌شود مکانیزم‌های نظارت خارجی که توسط وزارت راه و شهرسازی اعمال می‌گردد و نظارت حقوقی که توسط نهادهای بازرسی و قضایی انجام می‌شود، توسعه و تقویت یافته تا در صورت بروز تعارض منافع در لایه نظارت داخلی، سیستم از طریق نظارت عمومی خود را اصلاح نماید.

تحقق پیشنهادات فوق صرفاً از طریق اصلاح قانون و آئین‌نامه اجرایی آن امکان‌پذیر است که امید می‌رود به همراه سایر اصلاحات مورد نیاز هر چه زودتر توسط مجلس شورای اسلامی و هیئت محترم دولت انجام شود.

در پایان مجدداً متذکر می‌گردد که مقاله حاضر صرفاً بر بررسی ابعاد نظارت داخلی که توسط بازرسان اعمال می‌گردد، متمرکز بوده است. بدیهی است که برای کسب تصویری جامع‌تر از نظام نظارتی در سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان استان‌ها، نقش نظارت‌های خارجی (از طریق وزارت راه و شهرسازی) و ساز و کارهای حقوقی (از طریق مراجع بازرسی و قضایی) هم باید در مقاله‌های دیگر مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

۶- مراجع

- [۱] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- [۲] قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان مصوب سال ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی
- [۳] آئین‌نامه اجرایی قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان مصوب سال ۱۳۷۵ هیئت وزیران

داشته که به اختصار به آن‌ها اشاره گردید. در نتیجه اگر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان بخواهند اعتبار خود را در میان اعضا جامعه مهندسی حفظ کنند باید از مدل نظارت «تابعی» به سمت مدل نظارتی «مستقل» حرکت کنند. ساختار موجود نظارت به جای اینکه ابزاری برای اصلاح امور باشد، به ابزاری برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به عملکردهای هیئت‌مدیره‌ها تبدیل شده است. ادامه چنین وضعیتی، هیئت‌مدیره‌های سازمان‌ها را تبدیل به نوعی «دیکتاتوری کوچک» می‌کند و بازرسان نیز به جای صیانت از حقوق اعضا، به توجیه عملکردهای هیئت‌مدیره و بسترسازی برای ادامه فعالیت آن‌ها در دوره‌های بعدی می‌پردازند. برای خروج از این وضعیت نامطلوب، پیشنهاداتی مطرح است که در ادامه به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۲- پیشنهادات

به منظور گذار از ساختار فعلی به یک نظام نظارتی کارآمد و مستقل، پیشنهادات زیرارائه می‌گردد:

۱. اصلاح الگو انتخاب بازرسان. پیشنهاد می‌گردد فرایند فعلی معرفی بازرسان از هیئت‌مدیره به مجمع عمومی، به سمت یک مدل انتخاب مستقیم و بلاواسطه تغییر یابد. در این مدل اعضا مجمع عمومی باید بتوانند بازرسان امین خود را از بین کاندیداهایی که صلاحیت آن‌ها به تأیید هیئت نظارت یا کمیته مستقل نظارت رسیده، انتخاب نمایند.

۲. ایجاد کمیته نظارتی مستقل. پیشنهاد می‌گردد همزمان با برگزاری انتخابات هیئت‌مدیره، یک کمیته سه تا پنج نفره از بین اعضا مطلع و پیشکسوت سازمان که صلاحیت‌های علمی و اخلاقی آن‌ها به تأیید رسیده باشد توسط اعضا انتخاب و به صورت مستقل از ساختار مدیریتی و اجرایی، بر جریان امور اعمال نظارت نموده و گزارشات خود را مستقیماً به مجمع عمومی ارائه نمایند.

۳. الزام به شفافیت در گزارش‌های هیئت‌مدیره‌ها و بازرسان. جهت جلوگیری از پنهان‌کاری، پیشنهاد می‌گردد تمامی گزارش‌هایی که توسط هیئت‌مدیره و یا بازرسان به مجمع عمومی ارائه

چنین وضعیت نامطلوب موجب دلزدگی اعضا از سازمان و بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به امور سازمان صنفی خودشان شده است. این بی‌تفاوتی اعضا نسبت به امور سازمان در موارد زیر تجلی یافته است:

- فاصله گرفتن اعضا پیشکسوت و با سابقه از سازمان و عملکرد آن
- کاهش مشارکت چشمگیر اعضا سازمان در انتخابات هیئت‌مدیره
- حضور بسیار پایین اعضا در جلسات مجامع عمومی سازمان
- عدم تمایل اعضا با سابقه، پیشکسوت، اخلاق‌مدار و دلسوز برای عضویت در هیئت‌مدیره
- بی‌تفاوتی آشکار اعضا سازمان نسبت به عملکرد بلااثر و بدون خاصیت بازرسان سازمان و ...

در همین رابطه لازم به ذکر است که درصد مشارکت اعضا سازمان‌ها در انتخابات هیئت‌مدیره در سال‌های اخیر در مجموع به کمتر از ده درصد و حضور در مجامع عمومی به چند درصد کاهش یافته است. برای نمونه در آخرین مجمع عمومی یکی از سازمان‌های بزرگ استان‌ها با بیش از سی‌هزار عضو، تعداد شرکت‌کنندگان حدود سه درصد و انتخاب بازرسان معرفی شده توسط هیئت‌مدیره فقط با ۱۱۰ (یکصد و ده) رأی انجام گرفته است!

۵- جمع‌بندی

۵-۱- نتیجه‌گیری

تمرکز این مقاله بر واکاوی نقش نظارت داخلی (بازرسان) در چگونگی عملکرد هیئت‌مدیره‌های سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان استان‌ها بوده است. حاصل بررسی و تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد که چالش‌های اصلی در کارآمدی بازرسان سازمان‌ها نه در قوانین نظارتی بلکه در «ساختار وابستگی» نهاد نظارت به هیئت‌مدیره است. این وابستگی ساختاری منجر به بروز موقعیت تعارض منافع و تضعیف قدرت بازرسی در فرایند رسیدگی و نظارت بر عملکرد هیئت‌مدیره شده است و تبعات نامطلوبی